

## پیامدگرایی اخلاقی در عرفان اسلامی

محمد تقی اسلامی\*

### چکیده

این مقاله با رویکرد تحلیلی به بررسی پیامدگرایی در فلسفه اخلاق، به عنوان رویکردی عام در اخلاق هنجاری می‌پردازد. این رویکرد اولاً، به جای تمرکز بر خصوصیات ذاتی فعل بر نتیجه آن تمرکز می‌کند و ثانیاً، در شمول ارزش‌های اخلاقی نسبت به کنش‌ها و منش‌ها تأکید و اهمیت اولیه را برای کنش‌ها قائل است.

در میان نظریات پیامدگرایی، خردمندانه‌ترین نظریه، سودگرایی عام اخلاقی است. این نظریه، ملاک ارزش اخلاقی را در پدیدار شدن بیشترین خیر برای بیشترین افراد بشر جست‌وجو می‌کند. در اینکه بیشترین خیری که به دنبال آن هستیم چیست، میان طرفداران فایده‌گرایی اختلاف نظر وجود دارد. اما اگر در صدد تطبیق نظریات مطرح در این باب، با نظریه اخلاقی اسلام هستیم، هیچ یک را در انطباق کامل نخواهیم یافت. در عین حال، می‌توان با اصلاح نظریه پیامدگرایی و تبیین و توضیح دقیق مباحث عرفان عملی ناظر به این بحث، وجه جمعی میان پیامدگرایی اخلاقی و عرفان عملی اسلامی یافت. کلیدواژه‌ها: پیامدگرایی، اخلاق، عرفان عملی، اخلاق اسلامی.

### چیستی پیامدگرایی اخلاقی

مهم‌ترین مأموریت شاخه پژوهشی اخلاق هنجاری در فلسفه اخلاق معاصر، تعیین معیار و ملاک کلی برای تشخیص خوب و بد یا درست و نادرست اخلاقی است. در انجام این مأموریت، ابتدا دو نظریه عمده پیامدگرایی و وظیفه‌گرایی مطرح است که اولی، معیار ارزش و الزام اخلاقی را در نتایجی که یک عمل اخلاقی به وجود می‌آورد، جستجو می‌کند. دومی، ملاک‌هایی را در ذات عمل، و نه در نتایج آن، برای تعیین ارزشمندی و الزامی بودن فعل اخلاقی در نظر می‌گیرد. جدای از اختلاف مبنایی این دو نظریه در نحوه ترسیم ملاک اخلاقی بودن ارزش‌ها و الزامات هنجاری، وجه مشترکی در توجه و تأکید بر فعل و کنش اخلاقی در هر دو نظریه وجود دارد که از این منظر در مقابل نظریه سومی تحت عنوان فضیلت‌گرایی اخلاقی قرار می‌گیرند که متعلق ارزیابی اخلاقی را صفات و منش‌های فاعل‌های اخلاقی می‌داند.

پیامدگرایان، در تعریف نوع نتیجه‌ای که می‌تواند ملاک ارزش و الزام اخلاقی باشد، از جهات گوناگون با هم اختلاف نظر دارند. در اینکه، نتیجه مورد نظر بایستی برای خود فاعل باشد یا دیگران، دو نظریه خودگرایی و دیگرگرایی اخلاقی بوجود آمده‌اند. دیگرگرایان اخلاقی، در اینکه مراد از «دیگری» چیست؟ اختلاف کرده‌اند. در این زمینه نظریاتی همچون جامعه‌گرایی و سودگرایی عام اخلاقی پدید آمده است. سودگرایی یا فایده‌گرایی عام اخلاقی، از این جهت که کمتر به سمت نسبت‌گرایی اخلاقی متمایل است، خردمندانه‌ترین شکل نتیجه‌گرایی اخلاقی قلمداد می‌شود. از این‌رو، با صرف نظر از توضیح درباره سایر شکل‌های نتیجه‌گرایی، در این مقاله به بررسی فایده‌گرایی یا سودگرایی اخلاقی می‌پردازیم.

قالب اولیه سودگرایی عام اخلاقی، عبارت از نظریه‌ای است که ملاک ارزش اخلاقی را در تأمین بیشترین خیر برای بیشترین افراد بشر جستجو می‌کند. این ملاک را با عبارت‌های روشن‌تر و جامع‌تری نیز بیان کرده‌اند. مانند اینکه گفته‌اند:

عملی به لحاظ اخلاقی درست است که بیشترین غلبه خیر بر شر را برای بیشترین افراد انسانی در بر داشته باشد؛ و عملی به لحاظ اخلاقی الزامی است که بیش از هر بدیل دیگری بیشترین غلبه خیر بر شر را برای بیشترین افراد فراهم آورد.<sup>۱</sup>

سودگرایان اولاً، در تعریف خیری که بیشینه شدن آن را در تعیین ارزش یا الزام اخلاقی لازم می‌دانند، اختلاف نظر دارند: بسیاری خیر را عبارت از لذت، رفاه، منافع مادی و

سعادت دنیوی دانسته‌اند. و شاید تعبیر «سودگرایی» یا «فایده‌گرایی» در ترجمه‌های فارسی به همین دلیل رایج شده است که طرفداران این نظریه اغلب به منافع مادی و این‌جهانی نظر داشته‌اند. هر چند واژه (utility) در فرهنگ لغات لاتین، لزوماً به معنای سود و منفعت مادی نیست. از این‌رو، به نظریاتی در دامنه سودگرایی اخلاقی بر می‌خوریم که خیر را تحقق نفس، و حتی کمال انسانی دانسته‌اند که با منافع غیرمادی و ماوراء طبیعی قابل جمع است.<sup>۲</sup> به جز چالشی که در تعریف «خیر» مورد نظر در سودگرایی اخلاقی وجود دارد، سودگرایان اخلاقی با چالش‌های دیگری نیز روبه‌رو هستند. مهم‌ترین این چالش‌ها، یکی در ناحیه چگونگی تشخیص سود یا خیر حداکثری است و دیگری، در ناحیه تعارضات اخلاقی میان اصول و قواعدی است که بر مبنای سودگرایی عام قاعده‌نگر<sup>۳</sup> پی‌ریزی می‌شوند. جرمی بنتام، معیارهای کمیت شمارانه‌ای را برای سنجش سود اخلاقی فهرست نموده است که به دلیل عدم تأمین ملاک‌های کیفی و اینکه چنین فهرستی اخلاق را به کلی از مایه‌های روحی و روانی تهی می‌سازد، با مخالفت‌های اخلاق پژوهان بعدی روبه‌رو شده است. جان استوارت میل، برای اصلاح نظریه سودگرایی اخلاقی، تلاش‌هایی برای تأمین ملاک‌های کیفی در شاخصه‌های سود اخلاقی انجام داده است، ولی نتوانسته آن چنان که شایسته است این نظریه را با ملاک‌های معنوی و روحانی، که در خور اخلاق است، منطبق سازد. از این نظر، هنوز نظریه سودگرایی بنتام و میل، با نظریه‌های معنویت‌انگار و عرفانی در مقابل هم قرار می‌گیرد.

اشکال دیگری که در نظریه سودگرایی عام مطرح است، اینکه این نظریه، برای شر نیز در کنار خیر، هویتی وجودی و استقلال‌ی قائل است و برای تعیین ارزش‌ها و الزام‌های اخلاقی، به بیشینه شدن خیر بر شر می‌اندیشد. چنین اندیشه‌ای با آن دسته از اندیشه‌های عرفانی، که از نگاهی کاملاً توحیدی به پدیده‌های عالم می‌نگرند و جز خیر نمی‌بینند و حداکثر هویتی که برای شرور قائل می‌شوند، هویتی عدمی است که با بی‌هویتی برابر است، سازگار نمی‌افتد.

### اهمیت پیامدگرایی اخلاقی

هرچه بر لزوم وظیفه‌گرایی و مسئولیت‌پذیری و بر ضرورت نهادینه‌شدن فضایل اخلاقی تأکید کنیم، در نهایت خود و دیگران را انسان‌هایی می‌یابیم که ضمیر وجودمان با حبّ

ذات سرشته شده و حتی در دیگرگرایانه‌ترین رفتارها خیر و منفعت خویش را دنبال می‌کنیم. وجود این گرایش فطری، موجب می‌شود که در برخورد با مهم‌ترین تکالیف و مسئولیت‌های اخلاقی، این سؤال پدید می‌آید که چرا باید این تکلیف را انجام داد و انجام این تکلیف، چه فایده‌ای را برای ما خواهد داشت؟ پیامدگرایی این امتیاز را بر نظریات وظیفه‌گرایانه دارد که پاسخ به این پرسش فطری آدمی است. این نظریات، نسبت به نظریات فضیلت‌گرایانه، گرچه پاسخ به این پرسش را مغفول نمی‌گذارد، اما اگر صورتی از پیامدگرایی را در نظر بگیریم، که با قبول ضرورت حسن فاعلی و فضیلت‌های منشی فاعل‌های اخلاقی، حسن فعلی و اصلاح قالب‌های رفتاری را، به عنوان مقدمه حسن فاعلی و یا به عنوان نتیجه آن، در صدر آموزه‌های خود قرار دهد، می‌توان اذعان کرد که چنین نظریه‌ای، به لحاظ سهولت آموزش هنجارها و اصول اخلاقی به مخاطبان، بر نظریات فضیلت‌گرایانه ترجیح دارد.

این سهولت در آموزش، موجب شده است که اخلاق‌پژوهان و دغدغه‌مندان آموزش‌های اخلاقی، اقبال ویژه‌ای به پیامدگرایی داشته باشند. در حیطه‌های گوناگون اخلاق کاربردی، (که خط مقدم تلاش‌های کاربردی هنجارهای اخلاقی به شمار می‌آید)، بر این نکته تأکید می‌شود که یکی از مهم‌ترین راهکارهای ترویج اخلاق و اجرایی شدن اخلاقیات در زندگی فردی، گروهی، شغلی و اجتماعی انسان معاصر، این است که این باور را در مخاطب ایجاد کنیم که عمل به ارزش‌های اخلاقی، موجب موفقیت فردی و اجتماعی خود او است. به عنوان مثال، در حیطه اخلاق مدیریت، که از حیطه‌های اخلاق کاربردی به شمار می‌آید، موفقیت فردی و سازمانی از اهداف منشورهای اخلاقی شرکت‌ها، مؤسسات و سازمان‌های خصوصی و دولتی قلمداد می‌شود. البته، استفاده از روش‌های آموزشی پیامدگرایانه عمدتاً با رویکردی افراطی و با تأکید بر آموزه‌های خودگرایانه یا سازمان‌گرایانه یا جامعه‌گرایانه انجام گرفته است. از این‌رو، با گسترش روز افزون دامنه تأثیر اخلاق سازمانی و مدیریتی به فراتر از مرزهای ملی و اجتماعی، و مطرح شدن اخلاق جهانی و لزوم مراعات آن در فعالیت‌های سازمان‌ها، به ویژه شرکت‌های تجاری و تولیدی، رویکردهای آموزشی پیامدگرا، همواره در حال بازنگری و اصلاح هستند. به گونه‌ای که نظریه‌های خودگرایانه و نظریه‌هایی که قلمرو ارزیابی اخلاقی، خود را محدود به فعالیت‌های درون سازمانی یا درون وطنی می‌کنند، رو به افول گذاشته‌اند.

در نقد و اصلاح روزآمد پیامدگرایی در اخلاق مدیریت، برخی از تازه‌ترین مقالات، نه تنها به بازنگری و بازسازی نگاه‌های ابزارانگارانه و مصلحت‌اندیشانه مادی به اخلاق و هنجارهای اخلاقی بسنده نکرده‌اند، که بر ضرورت آموزش فضایل معنوی و روحانی چنان تأکید کرده‌اند که خواستار تدوین علمی با عنوان علم معنویت<sup>۴</sup> شده‌اند.<sup>۵</sup> ولی به دو دلیل معنویت مورد نظر خود را از معنویت<sup>۶</sup> که در عرفان، و به ویژه عرفان‌های دینی یهودیت، مسیحیت و اسلام تعلیم داده می‌شود، ممتاز دانسته‌اند: یکی اینکه عرفان‌ها، به طور کلی دربردارنده آموزه دنیاگریزی و عزلت‌گزینی‌اند. دوم اینکه عرفان‌های دینی به سبب رویکردهای درون دینی و انحصارگرایانه، با مقتضیات اخلاق جهانی، که در جستجوی اصولی هنجاری است که نزد همه ابنای بشر مقبول و قابل اجرا باشد، هماهنگ نیستند.

در این مقاله، به بررسی عرفان عملی اسلامی به عنوان جذاب‌ترین دانشی، که کارگشاترین هنجارهای اخلاقی مقبول در عرصه‌های گوناگون اخلاق کاربردی و از جمله، اخلاق مدیریت را در اختیار اخلاق پژوهان معاصر می‌گذارد، می‌پردازیم. بدین منظور، باید بتوان از عهده پاسخ به دو دلیل یا دو اشکال نویسندگان مقالات مذکور برآید. هرچند به تناسب موضوع بحث در پیامدگرایی، و نیز به این دلیل که پرداختن به پاسخ اشکال دوم، که مربوط به اخلاق جهانی است، مجال واسع و جداگانه‌ای را طلب می‌کند، ناگزیر تنها به پاسخ اشکال اول می‌پردازیم. این اشکال ناظر به آموزه‌هایی مانند عزلت‌گزینی و ترک دنیا و بهره‌مندی از منافع و تمتعات آن و به طور کلی، تعالیمی است که به ظاهر نافی هرگونه انتظار سود و پیامد منفعت هستند که در بخشی از منابع و آثار عرفان عملی اسلام نیز مشاهده می‌شوند. ابتدا مروری بر این آموزه‌ها نموده، آنگاه مقصود واقعی از آنها را توجیه می‌کنیم. در نهایت با نقد قالب اصلی نظریه پیامدگرایی از نقطه نظر عرفان عملی اسلامی، به چگونگی پیامدگرایی مطلوب در این دانش عرفانی می‌رسیم.

### آموزه‌های نافی پیامدگرایی در عرفان اسلامی

در منابع و متون عرفان عملی با عباراتی مواجه می‌شود که ظاهر آنها با پیامدگرایی منافات دارد و گونه‌ای وظیفه‌گرایی افراطی از آنها قابل استنباط است؛ در اینجا تنها به برخی از مهم‌ترین این آموزه‌ها می‌پردازیم:

دنیاگریزی و مذمت دنیا، یکی از آموزه‌هایی است که در سراسر عرفان عملی موج می‌زند. این آموزه آشکارا با پیامدگرایی دنیوی در تضاد است. عارفان مسلمان در مذمت منفعت طلبی و دنیاگرایی تا بدانجا پیش رفته‌اند که گاه حتی علوم دینی ریشه داری همچون فقه را به دلیل گرایش به بهره‌گیری از راه‌کارهای نیل به پیامدها و منافع دنیوی مذمت نموده‌اند و با علم دنیا نامیدن آن، علم اخلاق را، که از علوم آخرت است، به عنوان جایگزین آن معرفی کرده‌اند.<sup>۶</sup>

فرایند دنیاگریزی هنگامی که با آموزه دیگری به نام «فنا خواهی» عرفانی تکمیل می‌شود، عرفان اسلامی را به طور کلی در مقابل هرگونه پیامد خواهی، حتی آخرت طلبی و تمایل به حور، قصور و نعیم بهشتی، می‌نشانند. فنا، که اوج عرفان و آخرین منزل سیر و سلوک عرفانی و والاترین هدف آن است، بدین‌سان با پیامدگرایی، در هر فرم و قالبی، منافات می‌یابد.

از دیگر آموزه‌های منافی با پیامدگرایی، «عزلت‌گزینی» است. عارفان مسلمان، عزلت‌گزینی را به روی گردانی و انقطاع از همه کس و همه چیز و روی نهادن به خدای تعالی در دل غاری یا سایه مسجدی یا کنج خانه‌ای تعریف نموده‌اند. گاه گفته‌اند: «عزلت»، دوری‌گزیدن از مردم و بریدن از آفریدگان و انس گرفتن با حضرت حق است. این تعریف، دایره شمولش بیشتر از تعریف نخست است.<sup>۷</sup> با این تعاریف، عمل به این آموزه عرفانی با برقراری ارتباطات اجتماعی و اندیشه در چگونگی بهره‌وری از آفریدگان، که همه ماسوی‌الله را شامل است، در تضاد خواهد بود؛ چه رسد به انجام فعالیت‌هایی چون حضور در عرصه‌های کار و سازمان و مدیریت بهینه منابع مادی و انسانی، که همگی از لوازم پیامدگرایی است.

نفی عقل و مذمت عقل معاش، در مقابل عقل معاد نیز که در عبارات عارفان دیده می‌شود، به روشنی با پیامدگرایی و حساب‌گری‌های منفعت‌خواهانه مخالفت دارد.

پیش از بیان مقصود واقعی از آموزه‌های فوق و مانند آنها نزد عارفان مسلمان، تذکر این نکته لازم است که چون نام عرفان اسلامی، گستره بسیار وسیعی از آثار مکتوب و منقول و نیز نحله‌ها و فرقه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد، قصد ما در این مقاله توجیه همه این آثار و فرقه‌ها نیست، بلکه تنها به عرفان ناب شیعی - اسلامی و اظهارات و عباراتی که در این

مکتب قابل توجیه باشد، نظر داریم. عرفانی که در شخصیت‌هایی چون ملاصدر، سیدحیدر آملی، ملا حسینیقلی همدانی، میرزا جوادآقا ملکی تبریزی، علامه سیدمحمدحسین طباطبایی، امام خمینی<sup>ره</sup> و آثار بیانی و قلمی آنان تجلی یافته است.

نکته دیگری که باز تذکر پیشاپیش آن لازم است، این است که مقصود ما از رویکرد پیامدگرایی، که درصدد انطباق آن با عرفان اسلامی هستیم، صرفاً قالب اولیه نظریه سودگرایی عام اخلاقی است که قبلاً بدان اشاره شد؛ نظریه‌ای که آن را به عنوان فرم خام پیامدگرایی اخلاق در نظر می‌گیریم. البته، مدعی انطباق کامل آن نیستیم، بلکه معتقدیم در مقام تطبیق بایستی اصلاحاتی در این فرم و قالب صورت پذیرد. این اصلاحات در نهایت، شکل پیامدگرایی در عرفان عملی اسلام را از جهات مهمی متفاوت از شکل‌های نظریه‌های سودگرایانه موجود خواهد ساخت.

با این دو مقدمه، اینک می‌توان مقصود واقعی از آموزه‌های منافی با منفعت خواهی در عرفان عملی را، به گونه‌ای که با مدعای اولیه پیامدگرایی اخلاقی سازگار افتد، توجیه کرد. مدعای اولیه پیامدگرایی اخلاقی این است که، ملاک ارزش اخلاقی را نه در ذات فعل و رفتار اخلاقی، بلکه در پیامد و نتیجه‌ای که برای آدمی پدید می‌آورد، بایستی جستجو کرد. مقصود از نفی و مذمت دنیا، نفی نگاه استقلالی به دنیا و مذمت تنگ نظری و محدود دانستن زندگی به دوره زمانی از آغاز تولد تا هنگام مرگ است. طبیعی است که دلبستگی به چنین محدوده تنگ و زودگذری از منظر عقلانی هم مذموم است، چه رسد به منظر عرفانی که قله‌های سعادت انسان را تا مقام قرب و فنای الهی مشاهده می‌کند. در دستگاه عرفان دینی اسلام، دنیا مزرعه آخرت دانسته شده، بهره‌مندی از آن نباید به نحوی باشد که به تباهی و نابودی این مزرعه یا آفت‌زدگی و در نتیجه، فساد محصول و میوه آن بیانجامد. با این توجیه، دیگر دنیاگرایی عرفانی به معنای نفی مطلق بهره‌گیری از منابع استعداد‌های دنیوی نخواهد بود. عرفان اسلامی با این آموزه واقعیتی را به نقد می‌کشد که امروزه حتی انسان بریده از تعلیمات دینی و عرفانی نیز طعم بی‌توجهی و غفلت از این نقد را چشیده است. گاه با اعتراض به تخریب محیط زیست و منابع طبیعی و سلطه انسان بر طبیعت و حیوانات و منابع زیست محیطی، استقلال طبیعت از انسان و نیز امانت بودن امکانات زیستی را بیان می‌کند. درست است که نقد عرفانی از دنیازدگی و دنیاگرایی، معانی بسیار بلندتر و عمیق‌تری دارد، ولی در سایه تربیت عرفانی چگونگی استفاده و

تصرف در امکانات دنیوی و از جمله، منابع محیط زیست و پرهیز از سلطه‌گری بر این منابع نیز به دست می‌آید.

اگر عارفان یا عارف مشربانی چون غزالی، علم فقه را در مقایسه با علم اخلاق و عرفان اسلامی، علم دنیا نامیده و نکوهیده‌اند، از دلایل و توضیحاتی که برای این نکوهش آورده‌اند آشکار می‌شود که مقصودشان بهره‌گیری ابزاری از احکام فقهی برای تأمین مصلحت‌های منفعت‌طلبانه و خودمحرورانه مادی و دنیوی است. چنانکه مثال‌هایی که بیان کرده‌اند، جملگی ناظر به راهکارهایی است که نزد فقیهان به عنوان حیل‌های شرعی شهرت دارد. در یک جمله، می‌توان گفت: این عارفان از دنیای مذموم می‌گریزند؛ یعنی همان دنیایی که با آخرت‌گرایی قابل جمع نیست، ولی هر جا پرداختن به دنیا، دقیقاً در راستای آخرت‌گرایی باشد، بدان تشویق می‌کنند. چنانکه غزالی این نکته را به بهترین شکل در قالب تمثیل سفر آخرت به سفر حج و نیاز به زاد و توشه به تصویر می‌کشد.<sup>۸</sup> علاوه بر این، اظهار نظر امثال غزالی، دستکم در مقطع زمانی نگارش احیاء علوم الدین، به منابع فقهی مذاهبی ناظر بوده است که از فقه ناب اسلامی فاصله داشته‌اند، و گرنه باید گفت اگر به فقه ناب شیعی - اسلامی، آن چنان که باید و نه آن چنان که هست نظر داشته باشیم، آن را عاری از اشکالاتی خواهیم یافت که اعتراض غزالی و دیگران را برانگیخته است.

عارفان به سادگی جواز تصرف در خلق را برای هر ناپخته‌ای صادر نمی‌کنند، نزد آنان برای اینکه آدمی اجازه این تصرف را داشته باشد، لازم است چهار سفر روحانی را تجربه کند: او باید ابتدا از دنیا و همه آفریدگان جدا شود و به سوی «حق» سفر کند. پس از نیل به ساحت حق، سفر دوم او توغّل در ذات حق، تا رسیدن به مقام «فناى ربوبی» است. سفر سوم او، بازگشت به سوی «خلق» است، در حالی که، به انوار حق نورانی شده و در واقع، حقّانی شده و به تعبیر مسامحی، به همراه حق به میان خلق می‌آید تا مأموریت الهی خویش را در «هدایت خلق» به انجام برساند. خلاصه سفر چهارم را باز به سوی حق، اما این بار به همراه خلق در پیش می‌گیرد. توجه به این سفرهای عرفانی به روشنی، پیامدگرایی عرفانی را نشان می‌دهد. به طوری که حتی آموزه فنا، که به ظاهر مخالف هرگونه پیامدگرایی است، به واقع هم پیامد مطلوب عملیات عرفانی قبلی است و هم خود پیامدی را در قالب هدایتگری و به کمال رسانی همه آفریدگان دنیا در پی دارد.



بنا براین، چه دنیاگریزی عرفانی و چه فناجویی عارفانه، به نفی مطلق پیامدگرایی منجر نمی‌شود. هنوز می‌توان اذعان کرد که در دستگاه عرفان عملی نیز ارزش فعل اخلاقی یا الزامی بودن آن از طریق سنجش کمالی تعیین می‌شود که در نتیجه آن وجود دارد. در این دستگاه، خیر اخلاقی که نتیجه مطلوب رفتار و منش اخلاقی است، عبارت از نیل به فنای حق و آنگاه کمک به خلق برای وصول به این خیر است. پس تا اینجا قالب اولیه پیامدگرایی عرفانی این است: «عملی از نظر اخلاقی درست است که بیشترین نقش را در وصول به فنای حق برای بیشترین خلق داشته باشد، و عملی از نظر اخلاقی الزامی است که در مقایسه با هر بدیل دیگری، بیشترین نقش را در وصول بیشترین خلق به فنای حق داشته باشد».

درباره عزلت نیز عارفان حکمت‌هایی را بیان کرده‌اند که به مثابه پیامدهای اخلاقی آن در پاک‌ی نفس و دوری از آلودگی‌ها و شهوات نفسانی است؛ تا دل مستعد روی آوردن به ساحت قدس ربوبی شود. چنانکه گفته‌اند: تا هنگامی که دل از خواهش‌های پست دنیا و از وابستگی‌های دنیوی جدا نشود، به دلیل شدت آلودگی‌ها و موانع وصول به حق و همچنین محروم بودن از لذت راز و نیاز و بندگی خدا، به حق روی نخواهد آورد. از این‌رو، همچنان که زدودن کثافت‌ها و چرک‌های لباس، پیش از رنگ آمیزی آن بر رنگرز لازم است، یا خارج کردن عفونت‌های بدن بیمار، پیش از معالجه مرض او بر طبیب فرض است، حصول بر پاک‌ی نفس از پلیدی‌های شهوانی، پیش از سلوک بر سالک واجب است. این واجب، در قالب عزلت به جا آورده می‌شود.<sup>۹</sup>

به همین سان، نفی عقل معاش نزد عارفان به معنای نقد مطلق انگاری و منحصر دانستن معرفت عقلانی بشری در یافتن مسیر کمال حقیقی انسان است. همان نقدی که پژوهشگران اخلاق کاربردی در عرصه‌هایی مانند اخلاق مدیریت با تأسیس دانش معنویت بدان اقبال نموده‌اند.

خلاصه اینکه، با وجود بیانات و عباراتی در عرفان عملی اسلامی، که ظاهری مخالف نتیجه‌گرایی دارند، در نهایت، باز هم این دستگاه اخلاقی را با هسته اولیه نظریات پیامدگرایانه هماهنگ‌تر می‌یابیم؛ چرا که اگر عرفان عملی را نظریه‌ای پیامدگرا ندانیم، به ناچار بایستی آن را با نظریات و وظیفه‌گرایانه‌ای موافق بدانیم که به هیچ روی ارزیابی پیامد فعل را در اتصاف آن به اخلاقی بودن دخالت نمی‌دهند و صرفاً به خصوصیات ذاتی عمل توجه دارند. یا آن را با نظریات فضیلت‌گرایانه‌ای مساوی بدانیم که هیچ نقشی برای قالب ظاهری فعل در اخلاقی

بودن آن قائل نیستند و تنها به نیت و صفات فاعل نظر دارند. در حالی که، می‌دانیم چنین نیست. دست‌کم این واقعیت مسلم است که عرفان عملی نسبت به ازدیاد خیر، در کل جهان بی تفاوت نیست چنانکه حسن فعلی را به پای حسن فاعلی قربانی نمی‌کند.

### ویژگی پیامدگرایی عرفانی

اکنون می‌توان با به رسمیت شناختن قالب اولیه نظریه‌های پیامدگرایانه اخلاقی و نقد آن، به ویژگی‌ها و امتیازات پیامدگرایی عرفانی پی برد. قالب اولیه پیامدگرایی اخلاقی این است: فعلی از نظر اخلاقی درست و ارزشمند است که بیشترین غلبه ممکن خیر بر شر، یا کمترین غلبه ممکن شر بر خیر، را در کل جهان سبب شود. و فعلی از نظر اخلاقی الزامی است که بیش از هر بدیل دیگری، بیشترین غلبه ممکن خیر بر شر، یا کمترین غلبه ممکن شر بر خیر را در کل جهان سبب شود.

از این قالب اولیه تفاسیر مختلفی شده و در نتیجه، گونه‌های مختلفی از نظریه‌های پیامدگرایانه پدید آمده، که این مجال گنجایش بررسی همه آنها را ندارد.<sup>۱۰</sup> از این‌رو، با تمرکز بر همین قالب اولیه به نقد آن از دیدگاه عرفان عملی می‌پردازیم.

پیامدگرایان در دقیق‌ترین اظهار نظر خود، خیر و ارزشی که بیشینه شدن آن را ملاک ارزش اخلاقی فعل دانسته‌اند، عبارت از سود و منفعت یا رفاه مادی بشر بوده است. اگر معنویت‌گرایانی یافت شده‌اند که نقشی را برای عناصر معنوی در نظر گرفته‌اند، مقصودشان روحیات و حالاتی است که به زندگی این جهانی محدود می‌شود. روشن است که چنین خیری بسیار ناچیزتر از آن است که در دستگاه عرفانی هدف اخلاقی شمرده شود. عارفان به مواهب و خیرات دنیوی و مادی بی‌توجه نیستند، بلکه چون این مواهب و خیرات را اسباب و شروطی برای وصول به کمالات والاتر می‌بینند، آنها را مقدمه‌ای برای آن کمالات می‌دانند. و چون وصول به مقصد و ذی‌المقدمه بسیار ارزشمند است، گاه حتی تأکید بیشتری در انجام مقدمات و جدیت در کارها دارند.<sup>۱۱</sup>

از آنجا که پیامدگرایان نتوانسته‌اند به سخن قاطعی درباره چگونگی تعیین یا محاسبه سود برسند، گاه از تعبیرهای نسبی‌گرایانه‌ای چون «غلبه ممکن خیر بر شر» استفاده کرده‌اند.<sup>۱۲</sup> در حالیکه، عرفان عملی با نقد ملاک‌های صرفاً عقلانی در تعیین خیر و کمال حقیقی انسان، و نیز با ضمیمه کردن ملاک‌های معرفت‌شهودی و عرفانی، مسیری را برای رسیدن به قطعیت یا اطمینان قاطع گشوده‌اند. فلسفه عرفان اسلامی رویکرد طبیعت‌گرایانه

را نیز که برای همه مدعیات عرفانی، دلیل مادی و طبیعی می‌جوید، به طور مطلق به رسمیت نمی‌شناسد. از این رو، شامل اصول هنجاری ماورایی و الهی می‌شود که گاه درک آنها از عقل خود بنیاد بشری ساخته نیست. برای درک آنها بایستی به ریسمان معارف وحیانی و الهی چنگ زد.

قید بیشترین غلبه خیر بر شر نیز در پیامدگرایی عرفانی قابل قبول به نظر نمی‌رسد؛ چرا که عرفان عملی اسلام، تمام خیر را برای کل بشریت و تک تک انسان‌ها پی می‌جوید؛ عارف در سفر سوم عرفانی و معنوی خویش مأموریت دارد که همه خلق را در مسیر سلوک و نیل به کمال عرفانی سوق دهد و مادام که حتی یک نفر در این مسیر قرار نگرفته باشد، مسئولیت و مأموریت عارف به انجام نرسیده است. محتوای تبلیغ عارف نیز خیر تمام است، نه صرفاً بیشترین غلبه خیر بر شر.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی نظریه‌های پیامدگرایانه اخلاقی، وجود تعارض میان اصول کلی هنجاری ترسیم شده بر مبنای این نظریات است. نهایت پاسخی که از چگونگی حل این تعارض‌ها، پس از بحث‌ها و مناقشات بسیار داده‌اند، این است که می‌توان با رسیدن به رشد و بصیرت اخلاقی به شناخت و نیز حل این تعارض‌ها فائق آمد. ولی روشن نیست که چگونه نظریه‌هایی که حسن فاعلی و خصوصیات منشی فاعل را در ارزیابی خیر اخلاقی دخالت نمی‌دهند و اصطلاحاً به اخلاق افعال و کنش‌ها می‌اندیشند و نه اخلاق صفات و منش‌ها، منتهی به پرورش صفات و منش‌هایی می‌شوند که یافتن بصیرت اخلاقی لازمه آنها است؟!

عرفان عملی این امتیاز را بر چنین نظریه‌هایی دارد که تحصیل فضایل اخلاقی را به عنوان مهم‌ترین پیامد رفتار اخلاقی در نظر می‌گیرد. بهترین قالب‌های رفتاری را برای کسب این فضایل توصیه می‌کند؛ به طوری که می‌توان اذعان نمود عرفان عملی اسلام نظریه‌ای فضیلت‌گرایانه است که تربیت فضایل اخلاقی را در فرایندی مرکب از حسن فعلی و حسن فاعلی جستجو می‌کند. بنابراین، ایجاد خصوصیات منشی مانند بصیرت اخلاقی، که به کار یافتن تعارضات اخلاقی و راه حل‌های آنها می‌آید، از نتایج حتمی این نظریه است. تقابل خیر و شر، که نزد پیامدگرایان به مثابه تقابل دو حقیقت مستقل به نظر می‌آید، در دستگاه اخلاقی عرفان عملی به تقابل نور و ظلمت یا وجود و عدم شناخته می‌شود؛ چرا

که در عرفان توحیدی اسلام، عالم وجود سراسر خیر است، و شرور اموری عدمی محسوب می‌شوند که به معنای فاصله گرفتن از حقیقت و نورانیتی است که کل عالم را فراگرفته است.

### نتیجه‌گیری

نظریه پیامدگرایی در میان نظریاتی که در اخلاق هنجاری ملاک تعیین ارزش و الزام اخلاقی را ارائه کرده‌اند، از این امتیاز برخوردار است که نسبت به نتیجه فعل اخلاقی بی‌تفاوت نیست. از این نظر، به نظریه اخلاقی مورد تأیید اسلام نزدیک می‌شود که حسن و قبح اخلاقی، یک رفتار را از تأثیر و نتیجه‌ای که برای انسان به وجود می‌آورد شناسایی می‌کند. این نظریه، نسبت به نظریات وظیفه‌گرایی کانتی یا نظریه امر الاهی این برتری را دارد که به ازدیاد خیر در کل جهان اهمیت می‌دهد و فراتر از خصوصیات ذاتی یک فعل، نقش اصلی را به نتیجه‌ای می‌دهد که با انجام آن، فعل به وجود می‌آید. در مقایسه با نظریات فضیلت‌گرایانه نیز، هر چند با طیف متنوعی از نظریات در اخلاق فضیلت مواجه هستیم، ولی اگر مقایسه محدود به نظریاتی شود که هیچ نقشی را برای قالب ظاهری فعل قائل نیستند، یا به تعبیری عنصر حسن فعلی را در ارزیابی صحت و خطای اخلاقی فعل دخالت نمی‌دهند، آنگاه می‌توان این مزیت را در پیامدگرایی اخلاقی مشاهده کرد که با تأکید بر حسن فعلی، امکان ارزیابی بیرونی رفتار اخلاقی را برای همگان میسرتر می‌سازد؛ گرچه این نظریه به دلیل کم‌توجهی نسبت به حسن فاعلی و اخلاق صفاتی، نیازمند تکمیل و اصلاح است. سهولت در آموزش اخلاق بر اساس آموزه‌های پیامدگرایی اخلاقی مزیت دیگری است که این نظریه به لحاظ روشی بر نظریات بدیل خود دارد.

با توجه به مزایای نظریه پیامدگرایی اخلاقی و هماهنگی کلی، که با نظریه اخلاقی اسلام دارد، می‌توان این نظریه را در شکل و قالب کلی آن با عرفان عملی، که جذاب‌ترین و راهگشاسترین رویکردهای موجود در اخلاق اسلامی است، سازگار بدانیم. البته لازم است با نقد منظرهای پیامدگرایانه معاصر، آن قالب کلی را به گونه‌ای تکمیل نمود که اشکالات و کاستی‌های نظریات پیامدگرایانه موجود را نداشته باشد. در اثر این تکمیل، صورت بدیعی از پیامدگرایی اخلاقی پدید می‌آید که ما آن را «پیامدگرایی اخلاقی» در عرفان اسلامی نامیدیم. در این مقاله، در حد و وسع خصوصیات آن را، از طریق نقد ویژگی‌های نظریات پیامدگرایان موجود، در عرصه اخلاق هنجاری بررسی کردیم.

## پی نوشت ها

۱. ویلیام کی. فرانکنا، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، ص ۴۸
۲. به صاحبان چنین نظریاتی سودگروان آرمانی گفته می‌شود؛ به نقل از ویلیام کی. فرانکنا، همان.
۳. سودگرایی اخلاقی به دو شعبه درونی تقسیم می‌شود: سودگرایی عمل‌نگر، و سودگرایی قاعده‌نگر. سودگرایی عمل‌نگر بیشتر به نگاه‌های اگزیزستانسیالیستی و موضع‌نگرانه (اخلاق وضعیت: situation ethics) نزدیک می‌شود که هیچ‌گونه قاعده کلی را برای هنجارهای اخلاقی در نظر نمی‌گیرد. ملاک را تصمیمات سر صحنه‌ای فاعل‌های اخلاقی می‌داند. ولی سودگرایی قاعده‌نگر، بر اساس تحلیل‌های متأملانه به ترسیم و توصیه قواعدی کلی مانند عدالت و نیکو کاری می‌پردازد. در این مقاله، به دلیل اینکه سودگرایی عمل‌نگر را فاقد عناصر لازم در خرد ورزی اخلاقی دانسته‌ایم، از پرداختن به آن صرف نظر کرده ایم. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ویلیام کی فرانکنا، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، ص ۸۷-۹۱ و ص ۹۴-۱۰۳.

4. spirituality knowledge

5. see: David S. Steingard; Spiritually-Informed Management Theory: Toward Profound Possibilities for Inquiry and Transformation; JOURNAL OF MANAGEMENT INQUIRY, Vol. 14 No. 3, p. 227-241; Keyur B. Thaker; Approaches to Implement Spirituality in Business; Journal of Human Valuse, 15:2 p. 185-198.

۶. ابوحامد محمد غزالی، *احیاء علوم الدین*، ج ۱، ص ۳۲-۳۳ و ۴۴-۴۵
۷. احمد بن محمد بن فهد حلّی، *التحصین و صفات العارفين*، ص ۱۹
۸. ابوحامد محمد غزالی، *احیاء علوم الدین*، ج ۳، ص ۲۳۹
۹. احمد بن محمد بن فهد الحلّی، *التحصین و صفات العارفين*، ص ۲۰
۱۰. ر. ک. ویلیام کی فرانکنا، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، ص ۴۵-۴۹
۱۱. ر. ک. محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، *اوصاف الاشراف*، ص ۱۴۴-۱۴۵
۱۲. ویلیام کی. فرانکنا، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، ص ۸۶



## منابع

ابن فهد حلی، احمد ابن محمد، *التحصین و صفات العارفين*، تصحیح و ترجمه سیدعلی گلباغی ماسوله، قم، لاهیجی، ۱۳۷۷ ش.

فرانکنا، ویلیام کی، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۶.

غزالی، ابو حامد محمد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، عالم الکتب، بی تا.

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، *اوصاف الاشراف*، تصحیح محمدمهدی شمس الدین، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.

Steingard David S.; Spiritually-Informed Management Theory: Toward Profound Possibilities for Inquiry and Transformation; JOURNAL OF MANAGEMENT INQUIRY, Vol, 14, No3, September, 2005

Thaker Keyur B.; Approaches to Implement Spirituality in Business; JOURNAL OF HUMAN VALUES

